



The Effect of Iraqi Kurdistan Associative Democracy on the Iranian Kurdish Counter-Revolution

Majid Mohammadi

Ph.D Student, Political Sciences, Iranian Issues, Rafsanjani University Complex, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Ahamad Bakhshayesh Ardestani *

Professor, Political Sciences, Iranian Issues, Rafsanjani University Complex, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Mohammad Tohidfam

Associate Professor, Political Sciences, Iranian Issues, Rafsanjani University Complex, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Ali Akbar Amini

Assistant Professor, Political Sciences, Iranian Issues, Rafsanjani University Complex, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Abstract

Kurdish counter-revolutionary movements are one of the causes of insecurity in the west of the country, which fled to northern Iraq after the imposed war. On the other hand, the fall of Saddam in 2003 changed the political structure of Iraq. In the context of Iraq's ethnic and religious heterogeneity, a consensus-based democracy was chosen to govern Iraq instead of Western-majority democracies. This model of government had effects and consequences that sometimes led to a change in the position and power of the Iraqi Kurds. Given the unified identity and identical historical and cultural background of the Kurds, this change will have implications for the Kurds of other countries, including the Iranian Kurdish counter-revolutionary parties. The purpose of this study was to provide an appropriate explanation regarding the impact of this trend on counter-revolutionary currents. This research is of applied type and qualitative method with descriptive and analytical approach. The theoretical framework of Lechfart's model of association democracy is based on 20 Kurdish counter-revolutionary experts and the Iraqi Kurdistan region to ensure the reliability of the research. It is suggested to increase the cost of hosting Iranian Kurdish anti-revolutionary parties for the Kurdistan region of Iraq.


Keywords: Associative Democracy, Democracy, Federalism, Ethnocentrism, Illegal Iranian Kurdish Parties.

* Corresponding Author: AhmadBakhshi0912@gmail.com


How to Cite: Mohammadi, M., Bakhshayesh Ardestani, A., Tohidfam, M., Amini, A. A., (2023), "The Effect of Iraqi Kurdistan Associative Democracy on the Iranian Kurdish Counter-Revolution", *Political Strategic Studies*, 11(43), 73- 106. doi: 10.22054/QPSS.2022.68777.3072.

احزاب ضدانقلاب کُردی ایران؛ پیامدهای دموکراسی انجمنی کردستان عراق بر احزاب ضد انقلاب کُردی ایران


دانشجوی دکتری علوم سیاسی، مسائل ایران، واحد تهران مرکزی،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجید محمدی 


استاد گروه علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد
تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

احمد بخشایش اردستانی * 

دانشیار گروه علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی و مسائل ایران،
واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد توحیدفام 

استادیار گروه علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی و مسائل ایران،
واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی اکبر امینی 

چکیده

احزاب ضد انقلاب کُرد ایرانی از عوامل ایجاد ناامنی در غرب کشور هستند که پس از جنگ تحمیلی به شمال عراق گریختند. از طرفی سقوط صدام باعث تغییر ساختار سیاسی عراق و جایگزینی مدل دموکراسی انجمنی گردید. این مدل دموکراسی آثار و تبعاتی داشت که بعضاً منجر به تغییر موقعیت و قدرت کُردهای عراقی شد. با توجه به هویت یکپارچه و پیشینه تاریخی و فرهنگی یکسان کُردها، این تغییر اثراتی بر کُردهای دیگر کشورها از جمله احزاب ضد انقلاب کُرد ایرانی داشت. مسأله اصلی پژوهش این است که استقرار دموکراسی انجمنی و نهادینه شدن قدرت در کردستان عراق چه تأثیری بر احزاب ضدانقلاب کُرد ایرانی داشته است؟ ارائه تبیین مناسب در خصوص تأثیر این روند بر احزاب ضدانقلاب هدف این تحقیق است. جنس پژوهش کاربردی، روش کیفی و مدل توصیفی - تحلیلی است. چارچوب نظری نوشتار، دموکراسی انجمنی لیچفارت بوده و برای کسب پایایی پژوهش به ۲۰ نفر از متخصصان ضدانقلاب کُردی و اقلیم کردستان عراق مراجعه و جمع‌بندی شد. دموکراسی انجمنی و نهادینه شدن قدرت در کردستان عراق منجر به تغییر استراتژی خودمختاری و تقویت گفت‌وگو فدرال‌خواهی در میان احزاب ضدانقلاب کُرد ایرانی شده است. پیشنهاد می‌شود هزینه میزبانی احزاب ضدانقلاب کُرد ایرانی برای اقلیم کردستان عراق افزایش یابد.

واژگان کلیدی: دموکراسی، دموکراسی انجمنی، ضدانقلاب کُردی، فدرالیسم، قومگرایی.

* نویسنده مسئول: AhmadBakhshi0912@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

جریانات ضدانقلاب گُردی مانند کومله و دمکرات یکی از مصادیق ایجاد ناامنی در مناطق غرب کشور از سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷ تاکنون بوده‌اند که در سیر حرکتی خود تحولات متعددی داشته‌اند. زمانی در خاک کشور ایجاد ناامنی می‌کردند، زمانی به دامان صدام پناه بردند و در نهایت پس از سقوط صدام به شمال عراق گریختند. چرایی حضور این جریانات در شمال عراق و تأثیرپذیری آنها از کردستان عراق نیازمند شناخت ساختار فعلی قدرت و جامعه‌شناسی قومی و مذهبی عراق بویژه در دوران استقرار دمکراسی پسا صدام در این کشور است.

از زمان استقلال عراق از قیمومیت انگلیس (سال ۱۹۳۲ م) تا سقوط صدام، بطور عمده سنی‌ها در کشور عراق حاکم بودند. با این تفاوت که در دوران صدام عراق شاهد نوعی حکومت مطلقه تک‌حزبی بود که در آن عرب‌های سنی بر طیف‌های دیگر مانند شیعیان و کُردها برتری داشتند. از ورود شیعیان به عرصه قدرت جلوگیری می‌شد این در شرایطی بود که شیعیان، بیشتر از ۶۰٪ جمعیت عراق را شامل می‌شدند. همچنین علیه شیعیان و کردها سیاست‌های بسیار سختگیرانه‌ای اتخاذ می‌شد. سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ باعث تغییر ساختار سیاسی - حقوقی و آغاز روند دولت‌سازی در کشور عراق شد (تاج الدین، زارعان و معدنی، ۱۳۹۷: ۱۰۹).

رقابت بین کردها، شیعیان و سنی‌ها به یکی از عوامل مهم و تعیین کننده در استقرار صلح و ثبات در عراق پسا صدام تبدیل شد. چالش عمده این دوران داعیه قوم‌گرایانه قومیت‌ها و گروه‌های مختلف نسبت به قدرت بود. این رویه مشکل ساختاری و ماندگار جامعه عراق در تمام دوره‌ها بوده است. با این وصف استقرار دمکراسی و شکل‌گیری یک عراق دموکراتیک با مشارکت همه اقوام و مذاهب شاید ایده‌آل باشد اما آیا امکانپذیر است؟ با وجود دیدگاه‌های قوم‌مدارانه هر یک از اقوام و گروه‌ها (کردها، سنی‌ها و شیعیان) نسبت به قدرت و همچنین تأثیر اختلافات عمیق در بین این گروه‌ها که نمود عینی آن را در تفاسیر قوم‌مدارانه آنها از قانون اساسی می‌توان مشاهده نمود این امر کمی دشوار به نظر می‌رسد. در واقع عراق را می‌توان مصداق کامل یک جامعه چند قومی و ناهمگون در نظر گرفت. با این وصف مدل‌های کلاسیک دمکراسی غربی با ائتلاف‌های نسبتاً پایدار برای جوامع ناهمگونی مانند عراق نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد.

پژوهشگران علوم سیاسی چاره کار برای حل این مسأله را در دمکراسی انجمنی دیده‌اند. دموکراسی انجمنی نوعی مدل جایگزین برای دمکراسی‌های اکثریتی است. در واقع نوعی دمکراسی غیر اکثریتی یا توافقی است که بیش از هر چیز به همکاری و توافق نخبگان طیف‌های قدرت و طرف‌های درگیر در جوامع ناهمگون بستگی دارد. طبعاً با توجه به شرایط عراق و عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، حتی در صورت شکل‌گیری دمکراسی انجمنی، این مسأله نیز آثار و تبعاتی خواهد داشت. بیشترین این آثار متوجه طیف شیعیان، کردها و سنی‌ها خواهد بود که نقش عمده و اساسی را در سرنوشت عراق بازی می‌کنند. این مدل حکومتی آثار و تبعاتی داشت که بعضاً منجر به تغییر موقعیت و قدرت‌گیری کردهای عراقی شد. با توجه به هویت یکپارچه و پیشینه تاریخی و فرهنگی یکسان کردها، این تغییر اثراتی بر کردهای دیگر کشورها از جمله کردهای ایران و بطور مشخص مورد مطالعه این پژوهش احزاب ضدانقلاب کرد ایرانی خواهد داشت.

ضرورت انجام این پژوهش از این نظر است که عدم انجام آن، سبب عدم شناخت متغیرهای مؤثر و عوامل دخیل بر ماهیت حرکتی ضدانقلاب کردی بویژه اقلیم کردستان عراق بعنوان یکی از نیروهای اصلی در شکل‌دهی به این جریانات در مقطع فعلی است. غفلت از اثرگذاری نیروهای دخیل بر روند تهدیدات مترتب از این ناحیه منجر به عدم مهار مؤثر آنها می‌شود. آشنایی با کارکرد و آثار دمکراسی انجمنی در کشورهای خاور میانه (مدل عراق) می‌تواند از دیگر دستاوردها و اهداف این پژوهش باشد. چرا که عراق بعنوان همسایه ایران یکی از متغیرهای مهم تأثیرگذار بر امنیت ملی ایران طی سال‌های اخیر بوده است.

همچنین کمک به تصمیم‌سازان عرصه سیاستگذاری مسائل مربوط به ضدانقلاب کردی و شناخت متغیرهای مؤثر بر آن از جمله اقلیم کردستان عراق و ارائه تبیین مناسب در خصوص تغییرات ماهیت حرکتی این جریانات در دوره‌های مختلف از دیگر اهداف این پژوهش است.

همانطور که اشاره شد در کشور تازه از دیکتاتوری رها شده عراق و با توجه به شرایط عراق و عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی و تاریخی و شکاف‌های قومی و مذهبی حتی در صورت شکل‌گیری دمکراسی انجمنی و توافقی این مسأله نیز آثار و تبعاتی خواهد داشت. بیشترین این آثار متوجه طیف شیعیان، کردها و سنی‌ها خواهد بود که نقش عمده و اساسی را در سرنوشت عراق بازی می‌کنند. مسأله اصلی این پژوهش بررسی آثار و تبعات این مدل

دمکراسی توافقی در عراق است. این روند از آن جهت حائز اهمیت است که نسخه تجویزی دمکراسی انجمنی در دیگر کشورهای مشابه نیز به نوعی آثار مشابه خواهد داشت. ضمن آنکه قرابت‌های قومی، فرهنگی و مذهبی متعددی میان ایران و عراق بعنوان دو همسایه وجود دارد. بنابراین اینکه اساساً دمکراسی انجمنی چیست؟ یا اینکه روند شکل‌گیری و نهادینه شدن دمکراسی انجمنی در عراق چگونه بوده است؟ یکی از مسائل مورد بررسی این پژوهش است. پرسش بعدی این است که این روند چه تأثیری بر بافت قدرت و کنش‌های قوم گُرد در عراق گذاشته است؟ از طرفی این تأثیرات به درون مرزهای عراق خلاصه نخواهد شد. تغییر قدرت در هر یک از طیف‌های مزبور طبعاً آثار منطقه‌ای نیز خواهد داشت. بویژه در حیطه تأثیرات قومی، کشورهای منطقه نیز متأثر خواهند بود. ایران نیز از جمله کشورهای همسایه عراق است که اشتراکات فرهنگی، اجتماعی و مذهبی تاریخی متعددی دارند. نظر به روابط نزدیک کردهای ایران و عراق و اثرگذاری آنها بر یکدیگر و اشتراکات مرزی، هرگونه تغییر در بافت و ساختار قدرت در عراق، جامعه گُردی ایران را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. پرسش دیگر این است که شکل جدید قدرت و کنش‌های اجتماعی جامعه گُردی عراق چه تأثیری بر جریان‌های ضدانقلاب و ستیزه‌جوی گُردی ایران گذاشته است؟ به طور خلاصه برآیند سوالات فوق مسأله اصلی این پژوهش و پرسش اصلی است که استقرار دمکراسی انجمنی در عراق و نهادینه شدن قدرت در کردستان عراق چه تأثیری بر جریان‌های ضدانقلاب گُردی ایرانی داشته است؟

با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و جستجوی اسنادی در صدد ارائه تبیین مناسبی برای مسأله اصلی بوده و چارچوب نظری این پژوهش مدل دمکراسی انجمنی است. تلاش می‌شود ابتدا این مفهوم از منظر لیچفارت تشریح و سپس شاخصه‌های آن بر جامعه عراق تطبیق داده شود. پس از آن آثار این روند بر جامعه عراق از جمله جامعه گُردی عراق سنجدیده خواهد شد و در نهایت تأثیر تغییرات جامعه گُردی عراق بر گُردهای ایران از حیث تأثیر بر جنبش‌های گُردی ایران و بطور اخص جریان‌های ضدانقلاب گُردی ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به منظور اقناع در خصوص پایداری پژوهش به بیست نفر کارشناسان مسأله شامل اساتید دانشگاهی و متخصصان عرصه‌های سیاسی، دیپلماتیک، نظامی و امنیتی در حوزه ضدانقلاب گُردی و اقلیم کردستان عراق مراجعه و نتایج پرسشنامه‌های عمیق نیز با یافته‌ها تطبیق داده می‌شود.

پیشینه پژوهش

مهمترین یافته‌ها	اهداف و یا سئوالات اصلی	نویسندگان، روش استفاده شده
مؤلفه‌های چندگانه‌ای از قبیل تداوم ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی، پایین بودن شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، ضعف فرهنگ سیاسی مدنی و ... در تشدید این بحران‌ها، چالش‌های فراروی دموکراتیزاسیون در عراق بوده و هستند	موانع فراروی دموکراتیزاسیون در عراق چیست؟	پوراحمدی، غفارنژاد و کاظمی (۱۳۹۶) روش تحلیلی و توصیفی
کردها دارای نیروی نظامی قابل توجهی هستند. همچنین برخی از پست‌های مهم در ساختار قدرت این کشور از جمله ریاست جمهوری و وزارت خارجه عراق در اختیار آنها است که نقش آنها را در قدرت افزایش داده است.	هدف این پژوهش بررسی تاریخ کردهای عراق، نیروهای نظامی و روابط بین‌المللی آنها، سایر گروه‌ها و نقش آنها در ساختار سیاسی عراق است	محمد حسن نامی و علی محمدپور (۱۳۹۷) تحلیلی - اسنادی
در حال حاضر به لحاظ محدودیت‌های ساختاری، ماهیت ژئوپلیتیکی و مقاومت همسایگان امکان استقلال کامل اقلیم کردستان عراق وجود ندارد	محدودیت‌ها و مقدرات اقلیم کردستان عراق برای رسیدن به دستیابی به استقلال چیست؟	قدیر نصری و داود رضایی (۱۳۹۲) روش تحلیلی - توصیفی
برخی این ناهمگونی‌ها ریشه‌ای تاریخی و اجتناب‌ناپذیر داشته و بعضی دیگر ناشی از دخالت‌های خارجی و بویژه حمله آمریکا و سقوط صدام است که اعراب خوزستانی را تحت تأثیر قرار داده است.	هدف این پژوهش بررسی تنش‌های قومی در عراق به لحاظ قومی و مذهبی و تأثیر آن بر قوم عرب ایران بوده است.	حسن هاشمیان (۱۳۸۷)، روش اسنادی تاریخی و ارائه الگوی تحلیلی خاص
در هر منطقه مانند کردستان که تراکم شکاف‌های اجتماعی بیشتر بوده و اگرایی قومی بیشتر بوده و هر جا شکاف‌ها متقاطع بوده و اگرایی کمتر است	شکاف‌های قومی در ایران چه نقشی در و اگرایی قومی در داخل کشور گذاشته است؟	محمدی، مجید (۱۳۹۹) روش تحلیل محتوا
قدرت ناسیونالیسم‌گرایی و حمایت برخی قدرت‌های منطقه‌ای مداخله‌گر در کشور عراق از عوامل حرکت کردها به سوی استقلال است که آثار معکوس بر امنیت ایران دارد.	امکان دستیابی اقلیم کردستان عراق به استقلال و میزان تأثیر آن بر امنیت ملی ایران	قدیر نصری و داوود رضایی (۱۳۹۲) روش تحلیلی - توصیفی
حکومت ایران بویژه در مقطع پس از پیروزی انقلاب از اتحادیه و پارتی حمایت کرده است	هدف این تحقیق بررسی کم و کیف رابطه ایران با اقلیم کردی عراق بوده است.	سازمند (۱۳۹۵) روش تحلیل و توصیفی
در صورت خودمختاری اقلیم کردستان عراق این روند از حیث تهدیدات نرم کردهای ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد.	در صورت خودمختاری اقلیم کردستان چه تأثیری بر روند تهدیدات مترتب بر جمهوری اسلامی خواهد داشت؟	حسن بوژمهرانی و مهدی پوراسلامی (۱۳۹۳) روش تحلیلی و توصیفی

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین

در مجموع هیچ یک از پژوهش‌های فوق روند استقرار دموکراسی انجمنی در عراق و پیامدهای آن بر جریان‌های ضدانقلاب کُردی یا حتی جامعه قومی کُردی ایران را مورد بررسی قرار نداده‌اند. در واقع تحولات جدید عراق و اثر آن بر جریان‌های جنبش‌های کُردی ایران نیز کمتر مورد توجه پژوهشگران مسائل ایران و خاورمیانه قرار گرفته است و از این حیث انتظار می‌رود این پژوهش با نوآوری که در این عرصه دارد راهگشای فاز مطالعاتی جدیدی بر مسائل قومی و تعاملات میان ایران و عراق باشد.

تعریف مفاهیم یا متغیرها

اقلیم کردستان عراق

شامل سه استان منطقه زندگی و حیات کُردهای عراقی مستقر در قسمت شمال و شمال شرقی کشور عراق با جمعیتی بالغ بر پنج میلیون نفر جمعیت و وسعتی نزدیک به سی و هشت هزار کیلومتر مربع می‌باشد (نصری، ۱۳۹۸: ۲۵).

قوم‌گرایی^۱

قوم‌گرایی در قالب چنین نمودهایی تعین می‌یابد: «برتری‌انگاری قوم خود از دیگر اقوام، نگاه به جهان تنها از زاویه ارزش‌ها و نگرش‌های قوم خود، ستایش و مدح آنچنانی قوم خود و تحقیر دیگران، وفاداری بیش از اندازه به ارزش‌های قومی و بنابراین قومیت‌گرایی به محوریت و مرکزیت افراطی علایق و سلیق قومی در عقاید و کنش‌های فرد یا گروه اشاره دارد» (محمدی، ۱۳۸۸: ۳۳).

ضدانقلاب کُردی

گروه‌های افراط‌گرا، مسلح و معارض کُردی که پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شروع به اشغال پادگان‌ها و اقدامات مسلحانه و ایجاد ناامنی در غرب کشور به بهانه ایجاد خودمختاری در مناطق کُردنشین ایران نمودند. این جریان‌های مخالف انقلاب اسلامی بوده و در زمان جنگ تحمیلی در کنار صدام شروع به خیانت به کشور نموده و

1. Ethnocentrism

پس از آن نیز به شمال عراق گریختند. هم اکنون نیز به سازماندهی افراد و نفرات و آموزش نظامی به آنها در اردوگاه‌های مستقر در شمال عراق و یا ارتفاعات مرزی و صعب‌العبور جدار مرز نموده و ایده خود را براندازی نظام مقدس ج.ا.ا. با روش‌های مسلحانه و غیرمسلحانه تعریف نموده‌اند. از مصادیق بارز آنها می‌توان به گروه پژاک، حزب کومله، حزب دمکرات کردستان، پاک و خبات اشاره کرد (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۲۱).

فدرالیسم

فدرالیسم بعنوان شکلی از حکومت‌های غیرمتمرکز، بیان نوعی از نظام سیاسی است که در آن قدرت سیاسی به شکل عمودی، بین حکومت مرکزی و زیر مجموعه‌های آن تقسیم می‌شود. از این رو فدرالیسم هم به معنی یک ساختار و هم روش حکومتی است که وحدت و یگانگی را بر شالوده تفاهم و رضایت برقرار می‌سازد. در عین حالی که از طریق یک قانون اساسی فراگیر؛ تنوع مولفه‌های تشکیل دهنده، یگانگی سیاسی را حفظ می‌کند (Kincaid, 2000: 312).

به لحاظ حقوقی، فدرالیسم اجتماعی است از چند واحد مستقل که با حفظ استقلال خود، پاره‌ای از وظایف دولتی را به یک هیئت مرکزی واگذار می‌نماید. در این سیستم واحدهای عضو، حاکمیت خود را از دست نمی‌دهند ولیکن وحدت دول عضو قائم به یک قدرت مرکزی می‌گردد. قدرت این دستگاه مرکزی ناشی از اقتدار واحدهای عضو بوده و به نمایندگی از طرف آنان اعمال می‌گردد، اعضای این دستگاه مرکزی از طرف دول عضو انتخاب می‌گردند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸: ۲۳۱).

دمکراسی

دمکراسی عبارتست از حکومت مردم، به وسیله مردم و برای مردم. این تعریف سه عامل کلیدی از دموکراسی را پیشنهاد می‌کند: یکی مسئله اضافه حکومت به مردم که نه تنها در معنای بالادست بودن آن بر مردم است بلکه در معنی گرفتن مشروعیت خویش از الزام و تعهد مردم نسبت به آن حکومت بر اساس رضایت نیز هست؛ دیگری واژه «بوسیله مردم» است، بدین معنی که آنها مشتاقانه در فرایندهای حکومتی مشارکت می‌جویند و سرانجام

واژه «برای مردم» است یعنی حکومت در پی تحقق رفاه مشترک و حفظ حقوق افراد هست (دی. تنسی، ۱۳۷۹: ۷۸).

چارچوب نظری

دموکراسی انجمنی^۱

در تعریف دموکراسی اشاره شد مردم مشتاقانه در فرایندهای حکومتی مشارکت می‌جویند اما همیشه مشارکت تمام مردم برای استقرار دموکراسی میسر نمی‌باشد. عبارت دیگر مشارکت حداکثری لزوماً متضمن برقراری عدالت و حفظ حقوق همه افراد نمی‌شود. بویژه در جوامع ناهمگون برخی طیف‌های دارای جمعیت کمتر محکوم به خروج از قدرت هستند. وقتی صحبت از دموکراسی می‌شود، اولین مفهومی که به ذهن خطور می‌کند بحث "اکثریت سالاری"^۲ یا "باصطلاح حکومت اکثریت" است. با مطالعه در حیطه نظریه‌های دموکراتیک، طیف دیگری از نظریه‌ها که در مقابل اکثریت سالاری قرار می‌گیرند، نمایان می‌شود. "نظریه تسهیم قدرت" یا "Power-Sharing Theory" از جمله این نظریه‌ها می‌باشد، اینجاست که مسأله دموکراسی‌های غیراکثریتی با داعیه ارائه راهکار مناسب برای استقرار دموکراسی در جوامع غیر همگن و متکثر مطرح شد. دهه ۶۰ میلادی بطور مشخص، نظریه تسهیم قدرت بعنوان راهکار و همچنین در نقد و رویارویی با نظریات اکثریت سالاری با تاکید بر امکان استقرار دموکراسی باثبات در جوامع چندقومی و غیرهمگن مطرح شد.

در بین اندیشمندان، نوعی نگرانی در حال رشد وجود داشت که ساختارهای دموکراسی کلاسیک به سبک غرب با ائتلاف‌های نسبتاً پایدار و سیستم‌های حزبی برای جوامع فاقد ساختار اجتماعی همگن غیرقابل استفاده هستند. بنابراین جوامع چندپاره، ناهمگن و متکثر که دارای شکاف‌های اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و ایدئولوژیکی می‌باشند اغلب خارج از پارادایم‌های غالب و نظری قرار گرفته‌اند. ضمن آنکه الگوی دموکراسی‌های غربی قادر به استقرار ثبات در کشورهای کوچکتر اروپایی نبود؛ کشورهایی که باوجود چندپارگی از توازن و تعادل قابل توجهی برخوردار بودند

1. Consociational Model of Democracy
2. Majoritarianism

(اعرابی، ۱۳۹۸: ۷). اینجا بود که نظریات تسهیم قدرت و کثرت‌گرایی مطرح شد. در مقطعی لوروین از اصطلاح «کثرت‌گرایی چندپاره» برای وصف این پدیده استفاده کرد. لمبروک این نوع خاص دموکراسی را «سهمی یا متوازن» نامید و از آن صحبت به میان آورد. در این میان، مشهورترین واژه و اصطلاح «دموکراسی انجمنی» بود که لیچفارت (لیپهارت، لیپارت یا لایپهارت) بعنوان الگویی مناسب و جایگزین برای دموکراسی‌های «گریز از مرکز» مطرح کرد. البته برخی معتقدند اصطلاح انجمنی قبلاً نیز مطرح بوده اما در قرن ۲۰ دوباره احیا شد. بر این باورند دموکراسی انجمنی از مفهوم «انجمن» اقتباس شده که برای اولین بار یوهان آلتوسوسوس در سال ۱۶۰۳ میلادی آن را در کتابش بکار برد. علاوه بر آن *دالدر الگویی* خاص از زندگی سیاسی را طراحی می‌کند که در آن نخبگان سیاسی متعلق به گروه‌های متفاوت اجتماعی، با استفاده از سازش و مدارا در شکل‌دهی به دولت کثرت‌گرا و پایدار موفق بوده‌اند (توحیدفام، ۱۳۸۱: ۱۱۱). در واقع نظریه لیچفارت و مدل ارائه شده او در قالب دموکراسی انجمنی، نظریه اکثریت‌سالاری را در ناتوانی استقرار سیستم سیاسی با ثبات و دموکراتیک در کشورهای چندپاره و متکثر به چالش کشید. به عقیده روتچایلد و رودر این نظریه پس از جنگ‌های داخلی اروپا به نسخه پیشنهادی جامعه جهانی برای برقراری صلح و دموکراسی و حل منازعات قومی مبدل شده است (مفاخری، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

این نظریه در دهه ۱۹۶۰ توسط نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی، *آرند لایپهارت* یا *لیچفارت*،^۱ با عنوان «انجمن‌گرایی» مطرح شد. لیچفارت در دهه ۱۹۸۰ با توسعه نظریه دموکراسی‌های غیراکثریتی، آن را در قالب مدل دموکراسی انجمنی و با عنوان جایگزینی برای دموکراسی اکثریتی و مناسب برای هر دو مدل جوامع همگن و ناهمگن ارائه کرد. البته این نظریه مبتنی دموکراسی‌های غیراکثریتی از همان ابتدا منتقدینی نیز داشت. اندیشمندان نامداری نظیر *جان استوارت میل* نسبت به درست بودن این ادعا خوش‌بین نبوده و امکان استقرار دموکراسی در جوامع غیرهمگن، با وجود مشارکت همه گروه‌های قومی و سیاسی مختلف را بسیار غیرمحمتمل می‌دانستند. اما به هر حال بعنوان یک مدل مطرح بود. با گذشت زمان کشورهای نظیر بلژیک، هلند، سوئیس یا اتریش بعنوان مدل‌های موفق از دموکراسی متوازن یا انجمنی مورد بررسی قرار می‌گرفتند. این الگوی

1. Arend Lijphart

دموکراتیک جدید با پتانسیل بالای نظری و تجربی می‌توانست در سایر جوامع متکثر یا چند قومی در جهان سوم نیز قابل استفاده و مطرح باشد مانند کشور لبنان بین سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۷۵ (Lijphart, 2012: 155).

بنابراین از منظر لیچفارت دموکراسی انجمنی نوعی دموکراسی غیر اکثریتی و توافقی مبتنی بر اجماع نخبگان طیف‌های مختلف سیاسی حاکم در کشورهای ناهمگون است. به لحاظ ساختاری و شرح مدل لیچفارت، انجمن‌گرایی بر پایه چهار اصل استوار است:

- ائتلاف‌های پارلمانی با پایگاه گسترده: تقسیم قدرت قوه مجریه در یک ائتلاف بزرگ یا ائتلافی از این نوع، عدم محرومیت همیشگی اقلیت از قدرت سیاسی را تضمین می‌نماید. بحث بر سر آن است که نظام‌های پارلمانی برای ایجاد ائتلاف‌های حکومتی فراگیر سودمندتر هستند. در ائتلاف‌های بزرگ، نخبگان سیاسی - که نماینده بخش‌های مختلف جامعه‌اند - در تلاش برای نیل به اجماع، اختلافاتشان را کنار می‌گذارند، اما رقابت عمومی در بین آنها محدود می‌شود. عامل مشخصه مشترک و مهمترین ویژگی آن است که تصمیم‌گیری به صورت اجماعی در رأس قدرت، توسط نخبگانی که نماینده بخش‌های اجتماعی اصلی هستند، انجام می‌گیرد (سیسک، ۱۳۷۹: ۸۳).

- تناسب یا نسبیّت: تناسبی بودن ملاک اولیه نمایندگی سیاسی، احراز مقام رسمی و تخصیص منابع ملی است. تناسبی بودن از حیث تضمین نمایندگی عادلانه گروه‌های اقلیت، اهمیت خاصی دارد. عامترین روش برای رسیدن به تناسب نمایندگی سیاسی استفاده از نظام انتخاباتی نمایندگی تناسبی است یعنی نظامی که در سوئیس و بلژیک وجود دارد. تناسب به این مفهوم که قدرت بر مبنای جمعیت و نسبت جمعیتی تقسیم می‌شود. تقسیم قدرت بر مبنای تقسیم جمعیت خواهد بود و گروه دارای با جمعیت بیشتر پست‌های حساس‌تر با قدرتمندی بیشتر را خواهد گرفت. مسئولیت مذاکرات برای این تقسیم‌بندی‌ها و توافقات با رهبران گروه‌ها است (بخشایشی، ۱۳۹۷: ۱۰۹).

- خودمختاری گروهی: در فدرالیسم سرزمینی یا در فدرالیسم متحد (خودمختاری غیرسرزمینی) انجمن‌گرایی از طریق واگذاری، قدرت تصمیم‌گیری خودمختاری داخلی را به بخش‌های مختلف جامعه برای همه گروه‌های خواهان آن فراهم می‌نماید (سیسک، ۱۳۷۹: ۸۴).

• حق وتوی اقلیت یا دوطرفه: بر اساس این اصل به هر بخش تضمین داده می‌شود که به هنگام در خطر بودن منافعش توسط اکثریت، از اعمال نظر و رأی خود محروم نخواهد شد. با حق وتوی دوطرفه، توان حاکمیت اکثریت توسط رأی مخالف اقلیت تعدیل می‌گردد. حق وتو به هر اقلیتی تضمین می‌دهد که به هنگام در خطر بودن منافعش توسط اکثریت، از اعمال نظر و رأی خویش محروم نخواهد شد. با حق وتوی دوطرفه، توان حاکمیت اکثریت توسط رأی مخالف اقلیت تعدیل می‌گردد (سیسک، ۱۳۷۹: ۸۳-۸۵).

روش تحقیق

نوع تحقیق، کاربردی، با مدل کیفی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. با توجه به تجربه شخصی پژوهشگر، گفتگوی عمیق با عناصر میدانی، استفاده از موتورهای جستجوگر اینترنتی، رجوع به کتابخانه‌ها و پایگاه‌های مجازی علمی، بررسی انتشارات، مقالات و کتب و نشریات مرتبط با موضوع ضدانقلاب و احزاب گردی و اقلیم کردستان عراق مورد بررسی قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها در وهله اول اطلاعات مد نظر از طریق منابع مختلف جمع‌آوری و ارزیابی شده و سپس کار تجزیه و تحلیل آنها با استفاده از مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران و ارائه پرسشنامه جمع‌بندی به شیوه تفسیری و تحلیل محتوای کیفی انجام شده است.

جامعه آماری و نمونه شامل ۲۰ نفر و ترکیبی است از اساتید دانشگاهی، مقامات امنیتی، نظامی، دیپلماتیک و صاحب‌نظران این حوزه که دارای تفکرات سیاسی متفاوتی بوده و دارای سابقه بیست سال کار و تجربه در این عرصه باشند تا با توسل به آن روایی فرضیه نیز فرابخشی شود. به دلیل محدودیت تعداد افراد جامعه آماری، نمونه منطبق بر جامعه آماری بدین شرح است: (شش نفر از کارکنان نهادهای امنیتی در حوزه عراق و حوزه ضدانقلاب گردی، دو نفر از کارشناسان نیروی قدس سپاه، دو نفر از دیپلمات‌های وزارت امور خارجه و دو نفر مقامات کنسولگری‌های ایران در اربیل و سلیمانیه اقلیم کردستان عراق، دو فرمانده نظامی و شش نفر از اساتید دانشگاه و پژوهشگران مسائل کردی). تفسیر پرسشنامه‌ها با یافته‌های تحلیلی جمع‌آوری کتابخانه‌ای بر مبنای مبانی نظری و مبتنی بر فرضیه پژوهش تطابق داشت.

بر اساس چارچوب نظری دمکراسی توافقی لیچفارت، مطالعات و گردآوری اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه سیاسی، امنیتی، نظامی و دانشگاهی انجام شده و پژوهشگر با اتکا به آن تحلیل انجام می‌دهد، در نهایت داده‌ها تحلیل محتوای کیفی داده شده و با یافته‌های تفسیری پرسشنامه‌ها تطبیق داده خواهد شد.

یافته‌های تحقیق

دمکراسی انجمنی در عراق

پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، قانون اساسی عراق مجدداً به رشته تحریر درآمد و ساخت و بافت قدرت در عراق عوض شد. اکنون این مهم مورد بررسی قرار می‌گیرد که شکل و ساختار کنونی حکومت عراق به چه میزان با اصول چهارگانه دمکراسی انجمنی از منظر لیچفارت تطابق دارد؟

الف- بررسی اصل خودمختاری گروهی

با پذیرش اصل فدرالیسم در قانون اساسی عراق و شکل‌گیری حکومت محلی در کردستان عراق، ملاحظه می‌شود این اصل با وضعیت عراق پس از ۲۰۰۵ تطابق دارد. ماده ۱ قانون اساسی عراق مصوب سال ۲۰۰۵ تصریح می‌دارد: «عراق کشوری است مستقل دارای حاکمیت و نظام حکومتی آن جمهوری پارلمانی-دمکراتیک و فدرال است» (ایسنا، ۱۳۸۴).

با وجود اینکه زبان رسمی عراق عربی است اما زبان‌های محلی گردها، ترکمن‌ها، ارمنی‌ها و سایر زبان‌های بومی محلی مورد پذیرش واقع شده است. سومین بند ماده چهارم قانون اساسی این کشور که در سال ۲۰۰۵ تصویب شده اشاره دارد: «نهاد‌های فدرال در کردستان از دو زبان استفاده می‌کنند» (Gerecht, 2106: 131). همچنین یکصد و سیزدهمین ماده قانون اساسی این کشور اشاره دارد: «عراق متشکل از یک پایتخت، چند منطقه و استان غیرمتمرکز و اداره‌های محلی است». ماده یکصد و چهاردهم در این خصوص اشاره دارد: در صورتی که قانون اساسی اجرایی شود بر این اساس منطقه کردستان عراق و مقامات آن بعنوان منطقه فدرال رسمیت دارند. این قانون اساسی مناطق

جدیدی را که بر اساس احکام آن تشکیل می‌شود به رسمیت می‌شناسد» (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۳۹).

ب- تناسب یا نسبیت

تناسب به این مفهوم که قدرت بر مبنای جمعیت و نسبت جمعیتی تقسیم می‌شود. تقسیم قدرت بر مبنای تقسیم جمعیت خواهد بود و گروه دارای جمعیت بیشتر، پست‌های حساس‌تر با قدرتمندی بیشتر را خواهد گرفت. در کشور عراق نخست وزیر، رئیس قوه مجریه است و توسط نمایندگان اکثریت مجلس (ائتلاف اکثریت) برای یک دوره چهار ساله از بین شیعیان انتخاب می‌شود. بیش از شصت درصد عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند. شورای نخست وزیر شامل نخست وزیر و دو معاون او و سی و هفت وزیر کابینه است. برای شکل‌گیری دولت، کابینه باید حداقل رأی دو سوم مجلس را کسب نماید. نخست وزیر فرمانده نیروهای مسلح است. رئیس‌جمهور عراق نیز دومین پست مهم است که توسط دو سوم مجلس عراق از بین کردها تعیین می‌شود. ریاست قوه مقننه در اختیار اهل تسنن است (Nasr, 2006: 9).

پ- حق وتوی اقلیت یا دوطرفه

بر اساس این اصل به هر بخش تضمین داده می‌شود که به هنگام در خطر بودن منافعش توسط اکثریت از اعمال نظر و رأی خود محروم نخواهد شد. حق وتو برای اقلیت، هم در زمان همه‌پرسی برای تصویب قانون اساسی برای اقلیت لحاظ شده بود و هم بعد از تصویب قانون اساسی این حق در زمان همه‌پرسی بدین صورت در اختیار اقلیت بود که چنانچه قانون اساسی با مخالفت دو سوم شرکت کنندگان سه استان از ۱۸ استان عراق مواجه گردد لازم‌الاجرا نخواهد بود. بعد از تصویب نیز بدین صورت در اختیار آنها قرار گرفت که چنانچه برخی مصوبات دولت مرکزی با اصول فدرالی و چارچوب فدرالسیم آنها در تعارض باشد قادر به جرح و تعدیل‌هایی در قانون به نفع حکومت فدرالی خود می‌باشند. در حال حاضر نیز رئیس هر یک از بخش‌های قدرت از جمله رئیس‌جمهور و نخست وزیر دارای حق وتوی دو طرفه در قبال اختیارات همدیگر می‌باشند (بخشایشی، ۱۳۹۷: ۱۰۱).

ت- ائتلاف‌های پارلمانی با پایگاه گسترده

پارلمان عراق نقش قوه مقننه را دارد. نمایندگان این مجلس از طریق رأی‌گیری مستقیم مردم عراق برای یک دوره چهارساله انتخاب می‌شوند. عراق که با تنوع و تکثر قومی - مذهبی شناخته می‌شود، ترکیب جمعیتی‌اش را بر اساس برآوردهای غیررسمی، ۶۰٪ اعراب شیعه، حدود ۱۵ تا ۲۰٪ کردها، ۱۷٪ عرب‌های اهل سنت و نزدیک ۳٪ سایر ادیان تشکیل می‌دهند. در خصوص تعداد بانوان و مشارکت زنان، قرار بر این است دست کم یک چهارم نمایندگان از بین خانم‌ها انتخاب شوند (پوراحمدی، غفارتزاد و کاظمی، ۱۳۹۶: ۸۶-۹۹).

سه‌میه نامزدهای مجلس برای هر استان مشخص شده است و در حال حاضر ۳۲۹ کرسی وجود دارد. با این وصف هیچ حزبی در مجلس بدون ائتلاف با گروه و احزاب دیگر قادر نخواهد بود سیاست‌هایش را پیش ببرد، حتی شیعیان نیز اگر در مجلس اکثریت را کسب نمایند احتیاج به ائتلاف با گروه‌های دیگر را دارند. معمولاً در سال‌های اخیر شاهد ائتلاف‌گردها و شیعیان در مجلس عراق بودیم (Shadid, 2015: 164).

در واقع قانون اساسی و قوانین انتخاباتی عراق به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که هیچکدام از سه دسته اصلی کردها، شیعیان و اهل تسنن به تنهایی امکان کسب اکثریت برای تشکیل حکومت را ندارد (Cockburn, 2016: 112). تجربه انتخابات و تشکیل دولت در سال‌های گذشته نشان داده است که رایزنی‌های ائتلاف‌های اصلی پارلمان برای توافق بر سر تشکیل دولت ممکن است روزها و بلکه ماه‌ها طول بکشد. از این رو دموکراسی در عراق را به علت خاصیت عدم توان کسب اکثریت مطلق بوسیله یک طیف خاص و لزوم توافق طرف‌های قدرت برای نیل به اکثریت مؤثر، دموکراسی توافقی می‌نامند. بدیهی است ماحصل آن دولتی ائتلافی است که حضور نیروهای مخالف سیاسی را نه تنها در مجلس بلکه در درون دولت و سطح حاکمیت نیز باید تحمل کند (فرازمند، ۱۳۹۹).

آثار و پیامدهای دموکراسی انجمنی در کردستان عراق

شاید انتظار بجایی نباشد مدل دموکراسی انجمنی در ابتدای راه، آرمان‌های عدالتخواهانه را به همراه داشته باشد. این روند در کنار تمام پیامدهای مناسب، گاه آثار پیامدهایی را در خصوص بافت جامعه‌شناسی عراق به همراه داشته است. مسأله حائز اهمیت شکاف‌های

مذهبی - قومی عراق است. با آغاز قرن بیست و شروع روند تشکیل دولت‌های جدید متأثر از سقوط امپراتوری‌های بزرگ مانند عثمانی، افول قدرت‌های استعماری، سقوط اتحاد جماهیر شوروی و بازطراحی نقشه سیاسی جهان به دلیل این تحولات سرعت گرفت (Migdal, 2004: 18). در زمان ترسیم نقشه سیاسی خاورمیانه و تعیین مرزها در سال ۱۹۲۱، اصول و واقعیت‌های قومی، مذهبی، جغرافیایی و تاریخی در نظر گرفته نشد. با این وصف مرزهای تصنعی منجر به بحران‌های عدیده‌ای در غرب آسیا گردید (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲). اختلاف قومی - مذهبی متأثر از مرزهای تحمیلی، منجر به بروز تضاد و تعارض‌های همیشگی در منطقه شده است (مصلی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

پس از استقرار دموکراسی انجمنی و سهم‌سازی اقوام و اقلیت‌ها در قدرت در دوره جدید به‌گردداه موقیعت و فرصت‌های متعددی برای مشارکت و افزایش آزادی عمل و به معنای واقعی نوعی خودمختاری داده شد. این تغییرات، گردها را پس از اهل تشیع به گروهی تاثیرگذار در مرحله جدید تبدیل ساخته‌است. عراق در دهه گذشته وارد ساختار جدید حکمرانی و تقسیم قدرت بین بلوک‌های قومی - مذهبی شد. گردها با توجه به فرصت پیش‌آمده توانستند مطالبات خود را در نظام جدید قانونی کنند و حکومت اقلیم کردستان را تشکیل دهند (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). کردهای عراق در بستر تاریخ فراز و فرودهای متعدد داشته‌اند اما در هیچ دوره‌ای به مانند شرایط کنونی دارای حاکمیت محلی خودمختار در چهارچوب قانون اساسی عراق نبوده‌اند. در واقع چنین قدرت اجتماعی را تاکنون تجربه نکرده‌اند (Natali, 2005: 183).

بر اساس توافقات نخبگان طیف‌های قدرت در عراق از سال ۲۰۰۳ گردها در حکومت مرکزی عراق نیز قدرت گرفته و شریک شدند. رئیس‌جمهور عراق از میان کردها و همچنین ۶ وزیر کابینه از جمله وزیر خارجه از میان گردها انتخاب می‌شوند (بخشایشی، ۱۳۹۹: ۲۲).

از طرفی اقلیم کردستان شامل قوای سه‌گانه تقنینی، قضایی و مجریه است. ریاست و یا عبارتی رهبر اقلیم کردی بوسیله همه‌پرسی توسط مردم این منطقه انتخاب می‌گردد و اختیارات بالایی دارد که به غیر از ریاست قوه اجرایی، فرمانده کل قوا و هماهنگ‌کننده حدود وظایف، اختیارات و روابط اقلیم کردستان با دولت مرکزی عراق است. انجمن وزیران مشتمل بر نخست وزیر، معاون او و وزیران می‌باشد (حافظ‌نیا و قربانی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹).

۲۰۷). پارلمان کردستان با رأی مستقیم مردم برای مدت چهار سال برگزیده شده و ۲۵ تا ۳۰ درصد اعضای مجلس سهم زنان تعیین شده است (محمدی و خالدی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). قوه قضاییه شامل شورای قضایی، دادگاه‌های تجدیدنظر، شورای نظارت و دادگاه‌ها می‌باشد که به صورت مستقل از دیگر قوه‌ها بوده و ریاست آن به صورت مستقیم از سوی رهبر اقلیم برگزیده می‌شود (نصری، ۱۳۹۲: ۵۴).

کردها در حال حاضر نسبت به سال‌های قبل، تأثیرگذاری بیشتری در ساختار داخلی عراق دارند. رهبران کرد ضمن حفظ قلمرو خود در کردستان، عهده‌دار پست‌های مهمی مانند رئیس جمهور، معاون نخست وزیر، وزارت خارجه و ... شده‌اند. در مجموع شش وزیر از ۲۹ وزارتخانه عراق از کردها و برابر قانون، یکی از پست‌های نخست وزیری، رئیس مجلس و ریاست جمهوری و یکی از سه وزارتخانه مهم امور خارجه، کشور و نفت باید از کردها انتخاب شود که در مقایسه با گذشته، نقش بیشتری در ساختار داخلی عراق دارند (نامی و محمدپور، ۱۳۹۷: ۳۰۲).

تصویب مدل فدرالیسم در کشور عراق با سطح نسبتاً بالای خودمختاری در قالب قانون اساسی و مهمتر از آن عملی نمودن این مدل و نهادینه‌سازی قدرت، اصلی‌ترین دستاورد کردهای عراقی بحساب می‌آید. در حال حاضر کردهای عراق دارای مجلس نمایندگان، دولت و نیروهای نظامی و امنیتی و منطقه فدرال هستند. ساختار قدرت در کردستان عراق بر اساس پارلمان بوده و اکثریت پارلمان دولت محلی را شکل می‌دهد. البته مناقشاتی نیز در این خصوص وجود دارد. بعنوان نمونه کردها بر این باورند مرزهای ناحیه فدرال اقلیم می‌بایست منطبق بر مرزهای قومی باشد اما بر سر این تطابق اختلاف است. کردها بر این اساس خواهان پیوستن برخی دیگر مناطق کشور عراق به ناحیه کردستان می‌باشند. برجسته‌ترین آنها منطقه نفت خیز کرکوک است. این منطقه از قومیت‌های مختلف از جمله کردها، اعراب، ترکمن‌ها و مسیحیان تشکیل می‌گردد اما کردها اعتقاد دارند این شهر بخشی از مناطق کُردنشین است و باید بر اساس ماده ۱۴۰ قانون اساسی با همه‌پرسی و رفراندوم تعیین تکلیف و به کردستان بپیوندد (یوسفی، ۱۳۹۹).

جنگ داعش با وجود ایجاد تهدید جدی برای اقلیم منجر شد مقامات کُرد عراقی مستقیماً با قدرت‌های جهانی وارد همکاری نظامی شده و با تحویل گرفتن انواع تسلیحات

در ابعاد نظامی نیز زیرساخت‌های خود را قوی کنند. همچنین با شکست نیروهای عراقی از داعش در مناطق سنی‌نشین و مناطق مورد مناقشه کردها با حکومت مرکزی عراق، این فرصت پیش آمد که این گروه قومی بعد از پر کردن خلا امنیتی و حاکمیت بر آن مناطق به فروش نفت آن مناطق مبادرت ورزند و تولید نفت خود را بالا ببرند که موجب تقویت اقتصادی اقلیم کردستان با محوریت حزب دمکرات شده است (یوسفی، ۱۳۹۹).

در مجموع اکنون قدرت کردها در عراق در حدی است که به واسطه انسجام سازمانی و همچنین روابط نزدیک با کشورهای اروپایی بویژه فرانسه که دیدگاه مثبتی به کردها دارد همچنین رابطه با آمریکا دیپلماسی مستقل از عراق مرکزی را نیز به پیش می‌برند. گزاره‌هایی که اکنون کردستان عراق به آن رسیده فراتر از اختیارات یک واحد فدرال است. سیاست خارجی مستقل، نیروی نظامی مستقل، فروش نفت مستقل و ... تا جایی که در سال ۱۳۹۶ کردستان با طرح رفراندوم استقلال، کردها را به مرزهای استقلال‌طلبی از عراق نزدیک کرد.

تأثیر کردستان عراق بر ضدانقلاب کردی ایران

امتداد قومی و مذهبی کردهای عراق در ایران، منجر به تأثیر و تأثیرپذیری فرهنگی آنها از همدیگر شده است. بویژه آنکه پیشینه فرهنگی و اجتماعی یکسانی داشته‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹). با تحولات ناشی از جهانی شدن و برساخته شدن هویت‌های قومی این مسأله بیشتر نمایان شده و هویت کردی به مثابه فصل مشترک کردها در چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه است. قدرت این پیوند هویتی گاه حتی بیشتر از پیوند هویتی دولت-ملت کشورهای تابعه می‌باشد. در این خصوص پژوهشی توسط محمد عبدالمهدی و محمد قادرزاده با عنوان هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق در سال ۱۳۸۸ انجام شده است. نتایج پژوهش بر وجود مشابهت و قرابت در سلسله مراتب ترجیحات هویتی کردها دلالت دارد؛ به گونه‌ای که هویت قومی در صدر تعلقات و ترجیحات هویتی کردها جای داشته و هویت‌های جهانی و ملی، رده‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند (عبدالمهدی، قادرزاده، ۱۳۸۸: ۲۵).

با این وصف تغییر قدرت، موقعیت و جایگاه کردها در هر یک از این چهار کشور، عکس‌العمل و تأثیرپذیری در دیگر کشورها را به همراه خواهد داشت بویژه در دوران

گسترش رسانه، بدون شک این روند بر ماهیت فرهنگی کُردها در کشور ایران نیز تأثیرگذار خواهد بود. در ادامه به بررسی تأثیرپذیری مناطق کُردنشین ایران از کردستان عراق، پس از استقرار دمکراسی انجمنی در عراق می پردازیم.

طرح موضوع فدرالیسم

فدرالیسم و قدرت گیری کُردستان عراق خواه ناخواه تأثیرات گسترده بر دیگر کشورهای همجوار و بویژه اقوام کُرد در این کشورها داشت. دوئین، روزنامه نگار آمریکایی واشنگتن تایمز، درخصوص فدرالیسم کردستان عراق و تأثیر آن بر دیگر کشورها می گوید: «اکنون با خودمختاری کردستان عراق به مرکز عاطفی کُردهای ایران، ترکیه و سوریه تبدیل شده که نشان از توانمندی نرم و تأثیرگذار اقلیم کردستان عراق است» (Duin, 2004: 18-19).

ناتالی، عضو گروه حقوق و سیاست دانشگاه صلاح الدین اربیل کردستان عراق، می گوید: ... طرح های ملی گرایی کردها متحول شده است و ایده های ملی گرایی کردی با مفاهیمی مانند دمکراسی، حقوق بشر، خودگردانی و ایدئولوژی های فراسرزمینی پیوند خورده است (Natali, 2005: 182-183). مفهوم ایدئولوژی های فراسرزمینی از منظر ناتالی، صدور ایده فدرالیسم به کُردهای دیگر کشورها با هدف قدرت گیری آنها در وهله اول می باشد و از جمله آن کشورها، ایران است.

پس از استقرار فدرالیسم در عراق، ایده و مطالبه فدرالیسم در رأس شعارهای استراتژیک بسیاری از احزاب غیرقانونی ضدانقلاب کُردی و مسلح ایران قرار گرفت. نه تنها احزاب ضدانقلاب کُردی، برخی نخبگان کُردی و غیر کُردی نیز به این خواست دامن زدند.

حزب دمکرات کردستان ایران که تا سال ۱۳۸۳ شعار "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" را به عنوان شعار استراتژیک برگزیده بود، در کنگره ۱۳ به ناگاه متأثر از رخدادهای عراق و اقلیم کردستان عراق شعار فدرالیسم را با این مضمون «ایجاد یک سیستم دمکراتیک و فدرالی و پلورالیستی در ایران» جایگزین کرد. در برنامه و اساسنامه این گروهک در بند ۳ در خصوص اهداف حزب دمکرات کردستان اینگونه

آمده است: شعار استراتژیک حزب دمکرات کردستان ایران تأمین حقوق ملی ملت کرد در چارچوب یک سیستم فدرالی در کشور ایران می‌باشد (نادری، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

پس از حزب دمکرات کردستان ایران، حزب کومله نیز شعار فدرالیسم را بعنوان شعار استراتژیک برگزید. در بند سوم توافقنامه دمکرات و کومله که در ۳۱ مرداد ۱۳۹۱ انجام و به امضای دو طرف رسید، اینگونه آمده است: «دو طرف بر این باورند نظام سیاسی آینده ایران لازم است فدرالیسم باشد». همچنین در بند ۸ این توافقنامه مجدداً تأکید شده است: «حزب دمکرات کردستان و کومله فدرالیسم ملی - جغرافیایی را به عنوان شعار اصلی و برنامه سیاسی خود برگزیده‌اند» (نادری، ۱۳۹۴: ۱۵۳).

تشکل موسوم به کنگره ملیت‌های ایران فدرال در سال ۲۰۰۵ به ابتکار دو حزب کردی دمکرات و کومله شکل گرفت که ابتدا ۷ حزب ضدانقلاب و سپس ۱۶ جریان عموماً ضدانقلاب به آن پیوستند. در دومین اصل از قطعنامه مصوب این تشکل اینگونه آمده است: «خواهان حکومتی فدرال در ایران بر اساس معیارهای ملی - جغرافیایی هستیم» (کنگره ملیت‌های ایران فدرال، ۱۳۹۲).

حزب پژاک که شکل‌گیری آن متأخر از کومله و دمکرات در سال ۱۳۸۳ و متأثر از حمله آمریکا و اشغال عراق بود، مشی فدرالیسم و کنفدرالیسم دمکراتیک را بعنوان شعار باصطلاح مبارزاتی برگزید. در کتاب کنفدرالیسم دمکراتیک وابسته به انتشارات پژاک اینگونه آمده است: «احیای سیستم فدرالیسم در ایران بدون خشونت و با قبول کردن دولت مرکزی ...» (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

خالد عزیزی، دبیرکل کل حزب دمکرات کردستان، در خردادماه سال ۱۴۰۱ پا را از فدرالیسم فراتر گذاشته و به صراحت دم از دمکراسی انجمنی بعنوان نسخه تجویزی برای باصطلاح آینده ایران می‌زند: «ما برای آینده ایران تنها مدل حکومتی را قبول می‌کنیم که مبتنی بر دمکراسی توافقی باشد» (روداو، ۱۴۰۱). این نشان از آن دارد فدرالیسم مدنظر این احزاب ضدانقلاب دقیقاً مبتنی بر ارکان دمکراسی انجمنی و خواهان قدرت‌گیری منطقه‌ای هستند.

ترویج ایده فدرالیسم صرفاً محدود به احزاب ضدانقلاب کردی، جنبش‌های مسلح یا غیرقانونی نشده و محافل داخلی نیز در نقد یا بعضاً دامن زدن به آن شروع به قلم‌فرسایی کردند. بعضاً قومگرای افراطی کرد این ایده را به عنوان راه‌حل توسعه سیاسی کردستان

در نظر می‌گرفتند، برخی صرفاً به مفهوم‌بندی و تبیین فدرالیسم و نهادینه شدن آن در دیگر کشورها می‌پرداختند و گاهی برخی ملی‌گراها در نقد آن قلم می‌زدند. بنابر این طرح، ایده تسهیم قدرت بر مبنای فدرالیسم منبعت از تجربه حکومتی دمکراسی انجمنی در عراق، محدود به حوزه احزاب ضدانقلاب کردی نبود.

ترجمه و چاپ کتاب «فدرالیسم چالش چندقومی» اثر گرام/اسمیت توسط عبدالله رمضان زاده در سال ۱۴۰۰ از نمونه این آثار است. مقاله فدرالیسم راه‌حل بحران مدیریت در کشورهای چند قومی که توسط مسعود سهیلی در سال ۱۳۹۲ همایش قومیت و فرهنگ ایران اسلامی چاپ و منتشر شد نیز از نمونه‌های تجویزی فدرالیسم در راستای توسعه کشور است. متأخرترین این نویسندگان مهدی جامی است که صراحتاً دمکراسی انجمنی را برای ایران تجویز می‌کند. او طی انتشار کتابی در بهمن ماه سال ۱۴۰۰ با عنوان: «دمکراسی انجمنی یا نظام خادمان محلی» در صدد تبیین ساختاری برای تسهیم قدرت، فدرالیسم و مبانی دمکراسی انجمنی در ایران است و جالب اینجاست که دمکراسی انجمنی را گسترش یافته مدل مدنظر آیت‌الله طالقانی در اوایل انقلاب می‌داند (جامی، ۱۴۰۰: ۱۰۰-۱۰۴).

محسن رضایی بر فدرالیسم اقتصادی تأکید داشته و معتقد است ایالات ایران می‌توانند از نظر اقتصادی مستقل و روی پای خود بایستند و تصمیم‌گیری‌های کلان در سطح کشور داشته باشند. هر چند از منظر وی در این روش اداره مسائل دفاعی و سیاسی بصورت متمرکز قابل اجرا است (رضایی، ۱۳۹۲).

محمد باقر قالیباف نیز با طرح ایده حکمرانی محلی سعی دارد نوعی از مفهوم فدرالیسم را با قالب‌های خودگردانی محلی ارائه دهد. وی در کتاب «حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران» به این مطلب اشاره دارد (قالیباف، ۱۳۹۲: ۶۷).

سید محمد خاتمی (رئیس جمهور اسبق) نیز به این مسأله دامن زد. او در ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۹۸ طی دیدار با اعضای شورای شهر تهران، طرح موضوع کرد که برای ایران بهترین شیوه کشورداری حکومت فدرال است (خاتمی، ۱۳۹۸). سید جواد طباطبایی ضمن نقد، او را فاقد صلاحیت در موضوع انتخاب نوع کشورداری برای آینده

ایران دانست. بنابراین مشاهده می‌شود ایده‌های ناشی از تسهیم قدرت در اذهان برخی سیاسیون داخلی نیز تأثیر گذاشته است.

پذیرش احزاب ضدانقلاب کُرد ایرانی توسط اقلیم

یکی دیگر از آثار قدرت و ساختاریابی کردستان عراق، پذیرش حضور احزاب معارض کردی ایران در کردستان عراق بواسطه اشتراکات قومی و زبانی آنها است. یقیناً روند دمکراسی انجمنی، این قدرت و استقلال را به کردستان عراق داد که امروز مستقل از دولت مرکزی، احزاب ضدانقلاب کُردی ایران را به بهانه هم قوم بودن و کُرد بودن پذیرا باشد. این مسأله می‌تواند زمینه‌های تأثیرگذاری و فعالیت آنها بر جامعه قومی کُردی ایران را تسریع نماید. پس از صدام، اقلیم کردستان عراق این احزاب قومی مخالف ایران را پذیرفت و آنها پایگاه‌های خود را در این سرزمین به پشتوانه اقلیم کردستان عراق دایر کردند. «ملا عبدالله حسن زاده، دبیر کل حزب دمکرات کردستان در سال ۲۰۰۵، با رهبران کردستان عراق دیدار کرد و به مقامات کُرد عراقی به خاطر تصویب قانون اساسی دولت عراق که طی آن سیستم فدرالی و حقوق عمومی کردها رسمیت یافته بود تبریک گفت». این تبریک را می‌توان سرآغاز همدلی عاطفی میان معارضین کُرد ایرانی با مقامات کُرد عراقی دانست. (نادری، ۱۳۹۴: ۱۱۰-۱۱۴).

آثار واگرایانه بر جامعه کُردی ایران

افزایش مطالبات قومی در جامعه کُردی ایران را می‌توان از اثرات دیگر قدرت‌گیری کردستان عراق و دمکراسی انجمنی در عراق برشمرد و باوجود نبودن تبعیض قومی در داخل کشور؛ درخواست‌هایی مانند آزادی بیان، رواج زبان و فرهنگ کردی، رفع تبعیض اقتصادی - اجتماعی و آبادانی مناطق کُردنشین، داشتن اختیارات و حق مشارکت سیاسی و ... را باید از جمله درخواست‌های کُردهای ایران برشمرد که متأثر از تحولات اقلیم کردستان عراق، روند رو به رشد داشته است (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۵۲).

در تداوم این تأثیرات، اثرپذیری سیاسی نمایندگان مجلس مناطق کُردنشین ایران را نیز می‌بایست اضافه کرد. نمایندگان استان‌های مختلف کُردنشین پس از وقایع عراق، فراکسیون کرد را تشکیل دادند که طبق گفته حمیدی، نماینده ادوار کرد مجلس شورای اسلامی، هدف آنها جذب نیروهای قومی کُرد در بدنه دولت بوده است (بوژمهرانی و

پوراسلامی، ۱۳۹۳: ۱۰۳). البته این ایده بعدها به هم خورد اما هدف دیگر آنها از تشکیل فراکسیون گرد دقیقاً همان شکل دهی ائتلاف‌های پارلمانی منطبق بر هویت قومی است (با هر حزب و جناح دیگری) که در دمکراسی انجمنی نیز مشاهده نمودیم یکی از ارکان این حالت ائتلاف‌های پارلمانی است. شکل‌گیری فراکسیون گرد یعنی یک نیروی قومی تأثیرگذار قابل ائتلاف با دیگر جریان‌ها در مجلس شورای اسلامی.

آثار تثبیت دمکراسی انجمنی و قدرت‌گیری کردهای عراق به همین جا ختم نمی‌شود و شواهد مثال‌زدنی در حوزه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز دارد. جشن و شادی کردهای ایران پس از برگزیده شدن جلال طالبانی بعنوان رئیس‌جمهور عراق شاید نمونه آن پس از ۲۰۰۵ و تثبیت فدرالیسم در عراق باشد. تجمعات و جشن و شادمانی شهرهای گردنشین ایران پس از فراندوم استقلال کردستان عراق در سال ۱۳۹۶ نیز نمونه دیگر آن است. یورو نیوز از آن اینگونه یاد می‌کند: «عصر و شب دوشنبه کردهای ساکن استان کردستان و برخی شهرها در آذربایجان غربی در استقبال از همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق به جشن و پایکوبی پرداختند. و رویکرد مثبتی به همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان دارند (یورو نیوز، ۱۳۹۶). در این خصوص به نظر می‌رسد افکار عمومی کردهای ایرانی بیشتر از کردهای دیگر کشورها نظیر ترکیه و سوریه درگیر مسئله فراندوم اقلیم کردستان و حواشی آن شدند (خدیو، ۱۳۹۳). این یعنی مقدمه شکل‌گیری یک استقلال هویتی و نوعی واگرایی و تقویت گرایش هویت قومی به ضرر همگرایی ملی.

تحلیل سؤالات و جمع‌بندی نظرات مصاحبه‌شوندگان

به منظور بررسی آثار دمکراسی انجمنی در اقلیم کردستان عراق و همچنین به تبع آن ضدانقلاب گرد ایرانی، پرسش‌های زیر طراحی و در وهله اول به تعدادی از اساتید فن و متخصصان ارائه شده و پس از اخذ نظرات آنها در خصوص کیفیت سؤالات؛ سپس ضمن طی مصاحبه‌ای عمیق، این سؤالات از بیست نفر متخصصان مورد اشاره پرسیده شده و جمع‌بندی نظرات آنها بدین شرح بدست آمد:

الف- جمع‌بندی مصاحبه‌ها در خصوص تطابق الگوی دموکراسی انجمنی در عراق

با معیارهای مطرح شده چهارگانه لیچفارت یعنی خودمختاری گروهی، حق وتوی اقلیت، رعایت تناسب و ائتلاف‌های پارلمانی، این الگو با وضعیت عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون تطابق دارد.

ب- جمع‌بندی مصاحبه‌ها در خصوص مهمترین آثار دموکراسی انجمنی در عراق

در جمع‌بندی نظرات پرسشنامه‌ها، پس از سقوط صدام مهمترین تغییر در عرصه سیاسی عراق بعد از قدرت‌گیری شیعیان در حکومت، قدرت‌گیری کردها شناخته شد. لکن در تفسیر آن باید عنوان داشت از آنجا که شیعیان در یک مدل دموکراسی اکثریتی و غیرانجمنی نیز حسب تناسب جمعیتی، شانس اول تغییر موقعیت قدرت نسبت به دوران صدام را داشتند، بنابراین مهمترین اثر دموکراسی انجمنی معطوف به قدرت‌گیری کردها در کردستان عراق بوده است.

پ- جمع‌بندی مصاحبه‌ها مورد مهمترین اثرات دموکراسی انجمنی در کردستان عراق

مهمترین پیامد دموکراسی انجمنی در کردستان عراق، استقرار فدرالیسم و نهادینه شدن این خواست در ساختار قانون اساسی عراق مصوب سال ۲۰۰۵ و اجرای عملی آن می‌باشد. برآیند این وضعیت افزایش قدرت کردها به صورت رسمی و پذیرفته شده می‌باشد.

ت- جمع‌بندی مصاحبه‌ها در مورد بیشترین تأثیر کردهای عراقی بر کردستان ایران پس از ۲۰۰۳

در این خصوص در گزینه‌های موجود در پرسشنامه به ترتیب آثار فرهنگی-اجتماعی، تغییر رویکرد جنبش‌ها و حرکت‌های کردی ایرانی و ایجاد واگرایی کردی، بعنوان بیشترین اثرات بر جامعه کردی ایران شناخته شده است.

ث - جمع‌بندی مصاحبه‌ها مورد مهمترین اثرگردهای عراقی بر احزاب ضدانقلاب کُرد ایرانی

تغییر رویکرد از خودمختاری به فدرالیسم در جنبش‌ها و احزاب ضدانقلاب کُردی ایران، بعنوان مهمترین پیامد قدرت‌گیری کردهای عراقی پس استقرار دموکراسی انجمنی شناخته شده است.

جدول ۱- تحلیل ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان (جامعه آماری)

تحصیلات		سابقه خدمتی						جایگاه علمی/شغلی	
ارشد	دکتری	۲۰-	بالای ۲۵	پژوهشگر و استاد	وزارت خارجه	فرمانده نظامی	نیروی قدس	نهادهای امنیتی	دیپلمات کنسولی
۴	۱۶	۶	۱۴	۶	۲	۲	۲	۶	۲
٪۲۰	٪۸۰	٪۳۰	٪۷۰	٪۳۰	٪۱۰	٪۱۰	٪۱۰	٪۳۰	٪۱۰

بحث، نتیجه‌گیری

دموکراسی انجمنی در کنار دستاوردهای مطلوب و توافق طیف‌های مختلف قدرت در عراق، گاه آثار قابل تأمل دیگری نیز داشته است. استقرار حکومت فدرالی و قدرت‌گیری کردهای این کشور از جمله این آثار است. اگر چه این روند قدرت‌گیری و خودمختاری محلی، دستاردهایی از قبیل پیشرفت و توسعه در مناطق کُردنشین عراق، رشد آگاهی قومی، کیفیت آموزش، بهداشت عمومی، رشد اقتصادی و ... نسبت به دوران صدام را به ارمغان آورده اما از طرفی منجر به تقویت ناسیونالیسم کُردی در این منطقه شده است. قدرت ناسیونالیسم قومی و هویت کُردی در حدی بوده که گاه منجر به تعارض با حکومت مرکزی عراق شده است. حد افراطی آن را می‌توان در رفتارندوم کردستان عراق برای کسب استقلال در سال ۱۳۹۶ ملاحظه نمود. تقویت ناسیونالیسم و واگرایی کُردی در عراق بواسطه هویت مشترک کُردی، ضدانقلاب کُردی و کردهای ایران را نیز بی‌نصیب نگذاشته و منجر به ترویج و تقویت گفتمان فدرالیسم و طرح مطالبات قومی کُردی و تقویت احساسات قومی آنها شده است. هر چند کردهای ایران پیوستگی، قرابت و اشتراکات فرهنگی و انسجام قابل قبولی با جامعه ایرانی و حکومت مرکزی ایران دارند

اما نمی‌توان از تبلیغات و آثار واگرایانه کردستان عراق بر این خطه غافل شد. به هر حال این روند حتی اگر در سطوح ابتدایی باشد، پس از تثبیت فدرالیسم در کردستان عراق تقویت شده است. ضمن آنکه اقلیم کردستان در تقویت احساسات کُردی با توسل به برنامه‌های رسانه‌ای متعدد و گسترده فرهنگی و اجتماعی، در ترویج اندیشه فدرالیسم و حمایت از گروه‌های معارض و تندروی کُرد ایرانی نقش داشته است. آنچه این مسیر را تقویت می‌کند، قدرت هویت کُردی است که هم پیشینه تاریخی دارد و هم در سال‌های اخیر بر اثر شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت و برساخته شده است.

فرض اصلی پژوهش بر این نکته استوار است که دمکراسی انجمنی و نهادینه شدن قدرت در کردستان عراق منجر به تقویت گفتمان فدرال‌خواهی در میان جریانات ضدانقلاب کُرد ایرانی شده است. این فرضیه با بررسی‌های اسنادی، مطالعاتی و تفسیر پرسشنامه‌ها تأیید شد. یعنی گفتمان خودمختاری جریانات ضدانقلاب کُرد ایرانی تحت تأثیر کردهای عراق به گفتمان فدرالیسم تغییر یافته است. این به معنای افول روند یا کاهش بار معنایی آن بحساب نمی‌آید بلکه اگر الگوگیری از کردستان عراق باشد در دل این فدرالیسم، بحث تجزیه‌طلبی در قالب‌های زیباتری بعنوان حق تعیین سرنوشت و رفراندوم استقلال سر برون خواهد آورد. فدرالیسم ظاهری عامه‌پسندانه‌تر برای این احزاب ضدانقلاب دارد.

پیشنهادها

الف- استقرار دمکراسی انجمنی دستاوردهای بسیار مناسبی در عراق از جمله مشارکت، توافق و حضور طیف‌های مختلف جامعه در قدرت داشته است. با این وجود برای کارآمد بودن این مدل ضرورت دارد ملزومات مهمتری نیز رعایت شود. ملزوماتی از قبیل گزینش ایستار عقلانی در روند حکومت، رفع وابستگی خارجی و خروج اشغالگران و نیروهای ائتلاف، کاهش سطح توقعات سیاسی گروه‌های قومی و مذهبی و مقدم دانستن ملاحظات ملی عراق از جمله این ملزومات است.

ب- دمکراسی انجمنی مبتنی بر توافق نخبگان طیف‌های قدرت است. مهم‌ترین مکانیسم در توافق، گفتگو و حل چالش است. بنابراین لازمه نهادینه شدن قدرت و ثبات در عراق، ایفای نقش موثر دستگاه دیپلماسی ایران به محوریت اصلی حل مناقشات میان کُردها و

حکومت مرکزی است. بویژه آنکه ایران تنها کشور منطقه‌ای و بین‌المللی است که هم مورد وثوق کردها و هم شیعیان عراق است و قرابت‌های فراوانی با هر دو طیف دارد. پ- تأثیرپذیری جامعه کردی و ضدانقلاب کردی از کردستان عراق اجتناب‌ناپذیر است. برای کنترل آرامش و امنیت مرزها نیاز است با این پدیده برخورد شود و هزینه‌های میزبانی از ضدانقلاب کردی ایران استقرار یافته در منطقه کردستان عراق برای اقلیم کردستان عراق و دولت مرکزی این کشور چه با مکانیسم‌های نرم، دیپلماسی و رایزنی با مقامات کرد و عراقی و چه استفاده از ابزار قدرت نظامی و سخت‌افزاری افزایش یابد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم

ORCID

Majid Mohammadi		https://orcid.org/0000-0003-2902-2097
Ahamad Bakhshayesh Ardestani		https://orcid.org/0000-0003-0828-2615
Mohammad Tohidfam		https://orcid.org/0000-0002-0775-7482
Ali Akbar Amini		https://orcid.org/0000-0002-3851-3480

منابع

- احمدی، کوروش، (۱۳۸۴)، «توافق نهایی نقطه عطفی در روند بازسازی سیاسی عراق»، دو ماهنامه همشهری دیپلماتیک، دوره چهارم، شماره ۶۹.
- اعرابی، مهدی، (۱۳۹۸)، «دموکراسی انجمنی- فرایند نظریه‌پردازی انجمن‌گرایی در روابط بین‌الملل»، قابل دسترس در: www.andishmand.com/8461234.htm.
- ایسنا، (۱۳۸۴)، «متن کامل قانون اساسی عراق»، قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/8405-03756>, (۱۴۰۱/۰۶/۲۲).
- بخشایشی، احمد، (۱۳۹۷)، درآمدی بر سیاست‌های تطبیقی، تهران: انتشارات آوای نور.
- برزگر، کیهان، (۱۳۸۸)، «منطقه خاورمیانه در برزخ ثبات و بحران»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دوره دهم، شماره ۱۴۱.

- بوژمهرانی، حسن و پوراسلامی مهدی، (۱۳۹۳)، «تهدیدات نرم خودمختاری کردستان»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، سال اول، دوره دوم، شماره ۴.
- پوراحمدی، حسین، غفارنژاد، میثم و کاظمی، حامد، (۱۳۹۶)، «دموکراسی با زور و چالش‌های فراوی آن در عراق»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی*، دوره هشتم، شماره ۴۷.
- تاج‌الدین، محمدباقر، زارعان، احمد و معدنی، سعید، (۱۳۹۷)، «موانع روند دولت‌سازی عراق»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا*، دوره بیست و هشتم، شماره ۳۵.
- توحید فام، محمد، (۱۳۸۱)، *دولت و دموکراسی در عصر جهانی‌شدن: سیری در اندیشه‌های سیاسی معاصر غرب (نظریه‌های دولت و دموکراسی)*، تهران: انتشارات روزنه.
- جامی، مهدی، (۱۴۰۰)، *دموکراسی انجمنی یا نظام خادمان محلی*، در *صدد تبیین ساختاری برای حاکمیت مردم ایران*، تهران: انتشارات نبشت.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۸)، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حافظ‌نیا، رضا، (۱۳۹۸)، «اثرات خودگردانی کردهای عراق بر کشورهای همسایه»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، دوره سی و دوم، شماره ۸۳.
- خاتمی، سید محمد، (۱۳۹۸)، «رئیس دولت اصلاحات: فدرالیسم مطلوب‌ترین شیوه حکومت مردمی است»، قابل دسترس در: www.eghtesadnews.com/61/282887 (۱۴۰۱/۷/۷).
- خدیو، صلاح‌الدین، (۱۳۹۳)، «از تاثیرگذاری جماعت بارزانی تا تاثیرات شبکه‌های کردستان»، *سایت دیپلماسی ایرانی*، قابل دسترس در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1973140> (۱۴۰۱/۰۳/۰۲).
- دی. تنسی، استفان، (۱۳۷۹)، *مبانی علم سیاست*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر دادگستر.
- رضایی، محسن، (۱۳۹۲)، «تاکید محسن رضایی بر فدرالیسم اقتصادی: هر استان را یک ایالت می‌کنم»، قابل دسترس در: <http://www.asriran.com/fa/news/269458> (۱۴۰۱/۰۳/۲).
- روداو، (۱۴۰۱)، «خالد عزیزی دبیرکل حدک و برنامه آینده ایران»، قابل دسترس در: www.rudaw.net/farsi/kurdistan/070620171 (۱۴۰۱/۰۳/۲۱).

احزاب ضدانقلاب گُردی ایران؛ پیامدهای دمکراسی انجمنی کردستان عراق... | محمدی و همکاران | ۱۰۱

- سازمند، بهاره، (۱۳۹۰)، «رابطه ایران و اقلیم کردستان»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، دوره ۲۴، شماره ۶۵.
- سیسک، تیمونی، (۱۳۷۹)، تقسیم قدرت و میانجیگری منازعات قومی، ترجمه مجتبی عطار زاده، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبدالهی، محمد و قادرزاده، محمد، (۱۳۸۸)، «هویت جمعی کردهای ایران و عراق»، فصلنامه علمی پژوهشی نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۳۶.
- فرازمنند، محمد، (۱۳۹۹)، «عراق و چالشهای دمکراسی، دیپلماسی ایرانی»، قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/11424>، (۱۴۰۱/۳/۲۱).
- قالیباف، محمدباقر، (۱۳۸۷)، حکومت محلی و استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کنگره ملیت‌های ایران فدرال، (۱۳۹۲)، «قطعه‌نامه کنگره ملیت‌های ایران فدرال»، قابل دسترس در: www.farsnews.ir/amp/13921007001552، (۱۴۰۱/۰۳/۲۱).
- محمدی، مجید، (۱۳۹۹)، شکاف‌های اجتماعی و قومگرایی در ایران، تهران: انتشارات پانیس.
- محمدی، مجید، (۱۳۸۸)، قومگرایی در ایران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- مصلی‌نژاد، عباس، (۱۳۸۸)، «دلایل تداوم بحران‌های خاورمیانه در دوره بوش»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۴، شماره ۱۴.
- مفاخری، رامین، (۱۳۹۶)، «دموکراسی‌های اکثریتی و غیراکثریتی مبتنی بر نظریه تسهیم قدرت»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۳، شماره ۳۸.
- نادری، محمود، (۱۳۹۴)، حزب دمکرات کردستان ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- نامی، محمدحسن و محمد پور، علی، (۱۳۹۷)، «جغرافیای عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک»، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، دوره ۱۳، شماره ۴۲.
- نصری، قدیر، (۱۳۹۲)، «امکان استقلال کردستان عراق و پیامد آن بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه امنیت پژوهشی، دوره ۱۲، شماره ۴۴.
- نصری، قدیر، (۱۳۹۸)، «ترامپ و کردهای عراق»، مجله جهان اسلام، دوره ۱۸، شماره ۶۷.
- هاشمیان، حسن، (۱۳۸۷)، مطالعه تنش‌های قومی عراق و تأثیر آن بر قوم عرب ایران، رساله دکتری، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، دانشکده علوم سیاسی.

- یورونیوز، (۱۳۹۶)، «فرانکفون کوردستان عراق، یورونیوز»، قابل دسترس در:
<https://fa.euronews.com/2017/09/26/kurdistan-referendum-iranian-kurd-celebrating>. (۱۴۰۱/۰۳/۲۱).
- یوسفی، اصغر، (۱۳۹۹)، «دگرگونی جایگاه کردها در عراق جدید»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/83768844>. (۱۴۰۱/۰۳/۲۱).

References

- Abdulahi, Mohammad & Qadirzadeh, Mohammad, (2008), "Collective Identity of Kurds of Iran and Iraq", *Scientific Research Quarterly Journal of Social Sciences*, Volume 17, Number 36. [In Persian]
- Ahmadi, Korosh, (2004), "The Final Agreement is a Turning Point in The Process of Political Reconstruction of Iraq", *Hamshahri Diplomatic Bimonthly*, Fourth Volume, No. 69. [In Persian]
- Arabi, Mehdi, (2018), "Associative Democracy - The Theorizing Process of Associationism in International Relations", available at: www.andishmand.com/8461234.html, (2022/7/15). [In Persian]
- Bakshaish, Ahmed, (2018), *An Introduction to Comparative Policies*, Tehran: Avaye Noor. [In Persian]
- Barzegar, Kayhan, (2008), "The Middle East Region in The Purgatory of Stability and Crisis", Book of The Month of History and Geography, 30 Volume, No. 141. [In Persian]
- Bojemehrani, Hassan and Pouraslami, Mehdi, (2013), "Soft Threats to Kurdistan's Autonomy", *Bi-Quarterly Journal of Political Sociology of The Islamic World*, 1st Year, 2nd Term, Number 4. [In Persian]
- Cockburn, Patrick, (2016), "Iraq Crisis: How Saudi Arabia Helped ISIS Take Over The North of The Country", *The Independent*, 2012, July, 12.
- Congress of Nationalities of The Federal Iran, (2012), "Resolution of The Congress of The Nationalities of The Federal Iran", *Islamic Revolution Documents Center*, available at: www.farsnews.ir/amp/13921007001552, (2022/5/22). [In Persian]

- D. Tensi, Stefan, (2000), *Basics of Political Science*, translated by Hamidreza Malek Mohammadi, Tehran: Dadgstar. [In Persian]
- Duin, Julia, (2004), "Losing The Kurds", *Ripon, Forum Politics*, 3 Volumem, N.23.
- Euronews, (2016), "Iraqi Kurdistan Referendum", Euronews, accessible at: [https:// fa. euronews. com/2017/09/26/ kurdistan-referendum-iranian-kurd-celebrating](https://fa.euronews.com/2017/09/26/kurdistan-referendum-iranian-kurd-celebrating), (2022/6/11). [In Persian]
- Farazmand, Mohammad, (2019), "Iraq and The Challenges of Democracy", *Iranian Diplomacy*, accessible at: [http:// www. irdiplomacy.ir/fa/page/11424](http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/11424), (2022/6/11). [In Persian]
- Gerecht, Reuel Marc, (2106), "The Islamic Paradox: Shiie Clerics, Sunni Fundamentalists, and The Coming of Arab Democracy", Washington DC: AEI Press, 2016/4/22.
- Hafez-Nia, Reza, (2018), "The effects of Self-Government of Iraqi Kurds on Neighboring countries", *Geographical Research Quarterly*, 32 Volume, No. 83. [In Persian]
- Hashemian, Hassan, (2008), Study of Ethnic Tensions in Iraq and Its Effect on the Arab People of Iran, PhD Thesis, Azad University, Department of Research Sciences. [In Persian]
- ISNA, (2016), "The Full Text of the Iraqi Constitution", available at: <https://www.isna.ir/news/8405-03756>, (2022/08/30). [In Persian]
- Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar, (2018), *Legal Terminology*, Tehran: Ganj Danesh , 22 Edition. [In Persian]
- Jami, Mehdi, (1400), *Associational Democracy or The System of Local Servants, in order to Explain a Structure for the Governance of the Iranian People*, Tehran: Nabesht Publications. [In Persian]
- Khadiv, Salahoddin, (2013), "from the Influence of Barzani's Jamaat to the Effects of Kurdish Language Networks", Iranian Diplomacy website, accessible at: [http:// irdiplomacy. ir/ fa/ news/ 1973140](http://irdiplomacy.ir/fa/news/1973140), (2022/7/05). [In Persian]

- Khatami, Mohammad, (2018), “The Head of the Reform Government, Federalism is the most Desirable form of Popular Government”, available at: www.eghtesadnews.com/61/282887, (2022/06/07). [In Persian]
- Kincaid, John, (2000), “Handbook of federal Countries, A Project of Federations”, Ed.by Ann L.Griffith, McGill Queen’s, University Press, 2000/07/16.
- Lijphart, Arent, (1969), *Politics World, Consociational Democracy*, London: AXF Press.
- Lijphart, Arent, (2012), *Patterns of Democracy: Government Forms and Performance in Thirty-Six Countries* (Second ed.), New Haven and London: Yale University Press.
- Mafakheri, Ramin, (2016), “Majority and non-majority Democracies based on Power Sharing Theory”, *Political Science Quarterly*, Volume 13, Number 38. [In Persian]
- Migdal, S, Joel, (2004), “State Building and the Non – Nation – State”, *Journal of International Affairs*, Vol. 58, No. 1.
- Mohammadi, Majid, (2008), *Ethnicism in Iran*, Tehran University Master's Thesis. [In Persian]
- Mohammadi, Majid, (2019), “Social Gaps and Ethnicism in Iran”, Tehran: Panis. [In Persian]
- Mosllanejad, Abbas, (2008), “The Reasons for the Continuity of the Middle East Crisis in the Bush Era”, *Journal of Political Science*, 4 Volume, No. 14. [In Persian]
- Naderi, Mahmoud, (2014), *Kurdistan Democratic Party of Iran*, Tehran: Institute of Political Studies and Research. [In Persian]
- Nami, Mohammad Hassan & Mohammad Pour, Ali, (2017), “Geography of Iraq with an Emphasis on Geopolitical Issues”, *Publications of the Geographical Organization of the Armed Forces*, Volume. 13, Number. 42. [In Persian]

- Nasr, Vali, (2006), “When the Shiites Rise”, *Foreign Affairs*, July August, 12V, N. 22.
- Nasri, Qadir, (2012), “The Possibility of Iraqi Kurdistan's Independence and Its Consequences on Iran's National Security”, *Research Security Quarterly*, Volume 12, Number 44. [In Persian]
- Nasri, Qadir, (2018), “Trump and Iraqi Kurds”, *Islamic World Magazine*, 18 V, N. 67. [In Persian]
- Natali, Denise, (2005), “The Kurds and the State: Evolving National Identity in Iraq, Turkey and Iran”, New York, *Syracuse University Press*, 23v, N.45.
- Pourahmadi, Hossein, Ghafaranjad, Maitham & Kazemi Hamed, (2016), “Democracy by Force and Its Challenges in Iraq”, Tehran, *Political Approaches Quarterly*, 80 Volume, No. 47. [In Persian]
- Qalibaf, Mohammad Baqer, (2007), *Local Government or the Strategy of Spatial Distribution of Political Power in Iran*, Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Rezaei, Mohsen, (2012), “Mohsen Rezaei's Emphasis on Economic Federalism: I will make every Province a State”, accessible at: <http://www.asriran.com/fa/news/269458>, (2022/06/21). [In Persian]
- Rudaw, (2022), “Khalid Azizi, Secretary General of Hadak and Iran's Future Program”, available at: www.rudaw.net/farsi/kurdistan/070620171. (2022/06/16). [In Persian]
- Sazmand, Bahareh, (2018) “The Relationship between Iran and the Kurdistan Region”, Tehran: *Middle East Studies Quarterly*, Volume 24, Number 65. [In Persian]
- Shadid, Anthony, (2005), *Night Draws Near: Iraq's People in the Shadow of America's War*. New York City: Henry Holt & Company.
- Sisk, Timoni, (2000), *Power Sharing and Mediation of Ethnic Conflicts*, Translated by Mojtabi Attarzadeh, Tehran: Strategic Studies Research Center. [In Persian]

- Tajoddin, Mohammad Baqer, Zarean, Ahmad & Maadani, Saeed, (2017), "Obstacles to Iraq's State Building Process", *Shahreza Islamic Azad University International Political Research Quarterly*, 28 Volume, No. 35. [In Persian]
- Towhid Pham, Mohammad, (2001), *Government and Democracy in the Age of Globalization: A Survey of Contemporary Western Political Thoughts (Theories of Government and Democracy)*, Tehran: Rozaneh. [In Persian]
- Yousefi, Asghar, (2019), "The Transformation of the Position of the Kurds in the New Iraq, Islamic Republic News Agency", accessible at: <https://www.irna.ir/news/83768844>, (2022/05/19). [In Persian]